

## نقش سازنده امید به خدا در زندگی

آیت‌الله محمدتقی مصباح

### چکیده

آدمی فطرتاً کمال طلب است، هر آنچه را که مطلوب است و موجب کمال آدمی است، دوست دارد و به امید نیل بدان، تلاش می‌کند. زمانی انسان می‌تواند به کمال مطلوب خویش نائل گردد که علاوه بر تلاش و امیدواری، اسباب و شرایط بهره‌مندی از آن را نیز بشناسد. با شناخت اسباب و شرایط و بهره‌گیری از آنها و امید به رحمت الهی، و تلاش صادقانه می‌توان امیدوار بود که فرد به «مطلوب» خویش نایل آید. این امید «صادق» است، اما انسان با صرف امیدواری و با تلاش بدون شناخت اسباب و شرایط بهره‌مندی از کمال، ره به جایی نمی‌برد. در واقع، امید چنین فردی «کاذب» خواهد بود. این مقال به تفصیل به موضوع امید و رجا به رحمت الهی و شرایط، اسباب و زمینه‌های نیل به کمال مطلوب می‌پردازد. بازشناسی امید کاذب از صادق و امید به رضوان الهی و اخلاص در عمل و داشتن انگیزه الهی از جمله این شرایط است.

**کلیدواژه‌ها:** امید، خوف، رجا، بهشت، جهنم، امید کاذب، امید صادق، کمال، مطلوب.

### مفهوم رجا و جایگاه آن در نظام اسباب و مسببات

چهارمین مناجات از مناجات‌های خمس‌عشر مناجات راجین و امیدواران است که امام سجاده علیه السلام در آن، امید به خداوند و رحمت بی‌انتهای او را به تصویر می‌کشد. بی‌شک کسانی که بارگناه بر دوششان سنگینی می‌کند و پشیمانی و ترس از عذاب الهی سینه‌شان را سنگین ساخته، لازم است این مناجات شریف را با توجه بخوانند تا امیدوار به رحمت و مغفرت الهی گردند و با نور امید به خداوند، درصدد جبران کوتاهی‌ها و گناهان و حرکت در مسیر تعالی و کمال برآیند.

«رجاء» به معنای انتظار حصول خیر و میل بدان است.<sup>(۱)</sup> به تعبیر دیگر، وقتی انسان گمان دارد که در آینده نعمتی نصیب او می‌شود و از آن لذت می‌برد و بهره‌مند می‌گردد، احساس خوب و حالت مطلوب و شیرینی به وی دست می‌دهد که آن را «رجا» و «امید» می‌نامند. در رجا، چون خوف، دو ویژگی وجود دارد. یکی توجه به آینده، و از این رو، امید به گذشته تعلق نمی‌گیرد. دوم آنکه منشأ اصلی امید و رجا نیز لذت و شیرین‌کامی است که برای انسان حاصل می‌شود و بالعرض این حالت به چیزهای دیگر نیز نسبت داده می‌شود. به عنوان نمونه، گاهی توجه انسان به نعمتی که باعث لذت و راحتی او می‌شود جلب می‌گردد و به آن نعمت دل می‌بندد و بدان امیدوار می‌گردد. گاهی هم به کسی که این نعمت را به او می‌دهد توجه می‌کند و امید دارد، یا به زمان و مکانی توجه دارد که در آن از آن نعمت بهره‌مند خواهد شد. در این صورت، می‌تواند رجا و امید خود را به آن زمان یا مکان و یا آن شخص نیز نسبت دهد؛ ولی متعلق اصلی و نخستین منشأ پیدایش این حالت در نفس انسان همان التذاذ و بهره‌مندی است که برای انسان فراهم می‌شود؛ یعنی علت آن، درونی و مربوط به خود انسان است.<sup>(۲)</sup>

انسان فطرتاً آنچه را خیر و مطلوب است و باعث کمال او می‌گردد، دوست می‌دارد. در نتیجه، درصدد دست‌یابی بدان برمی‌آید و آن علاقه و دوستی، امید به خیر و کمال را در او برمی‌انگیزاند. خداوند درباره این میل فطری می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (عادیات: ۸)؛ و به راستی انسان سخت خیر را دوست می‌دارد.

بر اساس آیه شریفه دوستی و علاقه به خیر فطری است، منتها انسان‌ها در شناخت و تشخیص مصادیق خیر متفاوت هستند. البته تبیین حقیقت خیر و مصادیق آن در جای خود باید انجام پذیرد. اکنون بحث ما درباره رجا است و مجالی برای پرداختن تفصیلی به آن مسئله وجود ندارد. اما به اختصار متذکر می‌شویم که گرچه انسان طالب خیر است، اما دست‌یابی به خیر مشروط به شرایطی است که برخی از آنها از دایره قدرت و اختیار انسان خارج هستند و تا اسباب و شرایط آنچه را انسان برای خود خیر و کمال می‌داند فراهم نگردد، دسترسی به آن محقق نمی‌گردد. آن اسباب و شرایط هم در قالب نظام اسباب و مسببات و با چینش و ترتیب خاصی حاصل می‌گردند. به عبارت دیگر، وقتی همه عوامل و اسباب تأثیرگذار در معلولی تحقق یابند، علت تامه تحقق یافته است و بی‌درنگ معلول نیز تحقق می‌یابد.

اما در اینجا ما با دو مسئله مواجه هستیم: مسئله اول اینکه چه اسبابی باید تحقق یابند تا معلول نیز تحقق یابد و سهم هریک از اسباب در تحقق معلول چه میزان است و چه رابطه منطقی و واقعی بین تحقق هریک از اسباب و مجموعه آنها با تحقق معلول و مطلوب ما وجود دارد؟ مسئله دوم آنکه تصور ما از اسباب دخیل در تحقق معلول و سهم هریک از آنها چگونه است؟ اگر فرض کنیم صد عامل به‌طور مساوی در تحقق معلولی دخالت دارند، با

نیست که خداوند بی جهت کسی را مشمول رحمت خود سازد و یا بی جهت کسی را از رحمت خویش محروم گرداند. خداوند حکیم است و رفتار او حکیمانه است. ممکن نیست بی حساب کسی را مشمول رحمت سازد و یا کسی را بیامرزد، و بدون حساب شفاعت اولیای خود در حق گنهکاران را نمی پذیرد. به هر روی در نظام تکوین و تشریح الهی همه امور دارای حساب دقیق و حکیمانه است. چیزی که هست گاهی ما از حساب و تقدیر الهی بی اطلاعیم. گاهی ما در پرتو معرفت به خدا و صفات او و وعده‌ای که داده است، شرایط و عوامل تحقق بعضی امور را می شناسیم، مثلاً می دانیم کسی که در همه عمرش گناهی مرتکب نگشته و همواره در مسیر اطاعت خداوند گام برداشته است به بهشت می رود. بالعکس، می دانیم کسی که در همه عمرش عبادت و کار نیکی انجام نداده و به خداوند ایمان ندارد و همواره به دشمنی با اولیای خدا پرداخته، به جهنم می رود. پس هم بهشتی شدن انسان‌ها شرایط و اسبابی دارد و هم جهنمی شدن آنها، و کارهای خداوند گزاف و بی حساب نیست و به اندازه سر سوزنی نیز در آنها خطا و اشتباه رخ نمی دهد.

برخی خیال می کنند که شفاعت بدون حساب و کتاب است و رسول خدا ﷺ و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و سایر پیشوایان معصوم: بدون حساب مردم را شفاعت می کنند و آنان را از جهنم نجات می دهند و روانه بهشت می گردانند. در صورتی که شفاعت شامل حال کسی می شود که در زمره دوستان رسول خدا ﷺ و سایر معصومان و اولیای خدا باشد و با ایمان بمیرد. ممکن است کسی ایمان داشته باشد و در زمره مؤمنان به حساب آید، اما در نهایت با سوءعاقبت و بدون ایمان از دنیا برود. ممکن است کسی خود بیندارد که ایمان دارد، اما از ایمان حقیقی و واقعی بی بهره باشد. تازه اگر ایمان واقعی و

تحقق آن صد عامل، که سهم هریک در تحقق معلول یک صدم است، علت تامه تحقق می یابد. در نتیجه، معلول نیز محقق می گردد. اما گاهی مجموعه اسباب مؤثر در تحقق معلول و ترتیب و سهم هریک به درستی در ذهن ما ترسیم نمی گردد و گاهی عامل و سببی هنوز تحقق نیافته، اما ما خیال می کنیم تحقق یافته و بالعکس، گاهی ما خیال می کنیم که عاملی تحقق نیافته در حالی که آن عامل تحقق یافته است. در این صورت، چون نظام ذهنی و برداشت ما از عوامل و اسباب دخیل در تحقق معلول با اسباب و عوامل واقعی و رابطه منطقی آنها با معلول متفاوت است، ما به خطا رفته ایم و اگر بر اساس نظام فکری خود و احتمالات روان شناختی که در ذهن ما ترسیم یافته اند امید داشته باشیم که معلولی تحقق یابد (در حالی که در واقع اسبابش فراهم نگردیده است) آن امید کاذب خواهد بود.

گاهی انسان دقیقاً عوامل و اسباب دخیل در مطلوب خود را می شناسد و بر سهم هریک در تحقق مطلوب و معلول واقف است، آن گاه با توجه به این نظام واقعی و منطقی که بدان واقف است، احتمال می دهد که آن اسباب تحقق یافته باشند. در این صورت احتمال او صادق و منطقی است. اما اگر بدون آنکه شناختی از آن اسباب و عوامل و سهم هریک داشته باشد و چنین احتمالی دهد، آن احتمال روان شناختی و کاذب می باشد؛ نظیر آنکه انسان گاهی به چیزی یقین دارد، اما آن یقین و قطع کاذب است؛ زیرا منشأ آن جهل مرکب است و در واقع قطع و یقینی برای انسان حاصل نگردیده است.

#### جایگاه رحمت الهی و شفاعت در قوانین حکیمانه الهی

رحمت و مغفرت الهی و رسیدن به رضوان الهی مطلوب ماست، اما آنها بدون سبب تحقق نمی یابند و چنان

حقیقی نیز داشته باشد، معلوم نیست تا دم مرگ ایمانش باقی بماند و آن را سالم به منزل مقصود برساند. و اگر هم باایمان از دنیا برود و مستحق شفاعت گردد، به جهت گناهانی که مرتکب گشته در عالم برزخ کیفر می‌شود؛ چون شفاعت به عالم قیامت اختصاص دارد و در قیامت نیز ممکن است پس از گذراندن موافقی از جهنم و تحمل عذاب‌های الهی طی سالیانی دراز، بر اساس مصلحت الهی مشمول شفاعت گردد و از سایر عذاب‌هایی که برای او در نظر گرفته شده بود رهایی یابد.

روشن شد گنجه‌کاری که مؤمن باشد و ایمانش تا دم مرگ پایدار بماند، زمینه بهره‌مندی از شفاعت در او فراهم است و چون ایمان و اغلب رفتارهای او مورد رضایت و خشنودی خداوند می‌باشد، ممکن است مورد شفاعت قرار گیرد. اما در صورتی که فاقد ایمان باشد و عقاید، اخلاق و اغلب کردارهای او مورد رضایت خداوند نباشد، زمینه بهره‌مند گشتن از شفاعت در او فراهم نیست و حتی شفاعت پیامبران خدا و فرشتگان مقرب و معصوم نیز سودی به حالش ندارد. خداوند می‌فرماید: ﴿وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئاً إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُرِضِي﴾ (نجم: ۲۶)؛ و بسا فرشتگانی در آسمان‌ها که شفاعتشان هیچ سود نکند، مگر پس از آنکه خدای برای هر [شفیع یا برای هر انسانی] که بخواهد و پسندد، اجازه دهد.

### تفکیک امید صادق از امید کاذب به رحمت الهی و رضوان حق

اگر کسی دارای ایمان واقعی بوده، درصدد باشد که ایمانش را تا دم مرگ پاس دارد و در عین حال امید به شفاعت داشته باشد، امید او صادق و عقل‌پسند است؛ چون او با فرض تحقق اسباب و شرایط بهره‌مندی از

شفاعت بدان امید دارد. اما اگر از ته دل به خداوند و دستورات او ایمان ندارد و اسباب و شرایط بهره‌مندی از شفاعت را در خود فراهم نیاورده است و در عین حال امید به شفاعت دارد، آن امید کاذب است. او حتی اگر واقعاً امیدوار به شفاعت باشد و احتمال قوی بدهد که از آن بهره‌مند شود، احتمال او روان‌شناختی و غیرمنطقی است و بر مبانی منطقی استوار نمی‌باشد. فرض کنید کشاورزی در پی آن است که در فصل درو محصول برداشت کند. او اگر به موقع زمینش را شخم زده باشد و بذر نیز در آن افشاندن باشد و به موقع بدان آب داده باشد، می‌تواند امیدوار باشد که از آن زمین محصول برداشت کند. زیرا با تلاش و اقدامات او و شرایطی که خداوند در زمین و بذر و آب و هوا فراهم آورده است، احتمال برداشت محصول بسیار قوی است. در مقابل، احتمال عدم برداشت آن، به جهت احتمال وقوع حوادث پیش‌بینی نشده مثل جاری گشتن سیل در آن زمین و یا مواجه شدن گیاهان با آفتی که پیش‌بینی آن میسر نبود، ضعیف است و کسی بدان توجهی نمی‌کند. اما اگر به موقع زمین را شخم نزد و در آن بذر نپاشید و به آبیاری آن نپرداخت، نمی‌تواند امید برداشت محصول داشته باشد. اگر چنین امیدی در او پدید آمد، آن امید غیرعقلایی، غیرمنطقی و خیال‌بافی است. در امور معنوی نیز انسان باید شرایط و زمینه‌های کافی را فراهم آورد، آن‌گاه امید آن را داشته باشد که به مراتب عالی معنوی دست یابد. نعمت‌ها و لذت‌های بهشتی برای همه ما جاذبه دارد و بزرگ‌ترین آرزوی ما وارد شدن در بهشت و برخوردار شدن از لذت‌ها و نعمت‌هایی است که خداوند در وصف خود بهشت و برخی از نعمت‌های آن می‌فرماید: «... وصف آن بهشتی که پرهیزکاران را وعده داده‌اند این است که در آن جوی‌هایی است از آبی دگرگون نشدنی [نگنجد و بوی و مزه آن برنگردد] و جوی‌هایی از

دستورات الهی و عبودیت خدا نصیب بهشتیان می‌گردد و چنان نیست که کسی بدون حساب و گزاف بدان دست یابد. حال اگر کسی احتمال دهد و یا امید داشته باشد که بدون حساب و کتاب وبدون عمل به دستورات الهی و مبارزه با شیطان بیرون و درون به بهشت الهی دست یابد، احتمال و امید او فاقد ارزش است و او همچون کشاورزی است که زمینش را شخم نزده و دانه‌ای در آن نیفشانده و به آبیاری آن پرداخته و باین‌حال امید آن دارد که از آن، محصول برداشت کند و بی‌تردید آن امید خیالی بیهوده و جاهلانه است.

در مقابل، گاهی انسان چون به کرم و لطف بی‌نهایت خدا واقف نیست و یا نمی‌داند که اسباب و شرایط امیدواری به رحمت الهی را فراهم آورده، امیدی به رحمت خدا ندارد. او به این حقیقت پی نبرده که حساب آخرت با حساب دنیا متفاوت است و بازار آخرت چون بازار دنیا نیست که انسان به اندازه تلاش و کوشش خود مزد و پاداش دریافت می‌کند، بلکه پاداش اخروی عمل بسیار فراتر از خود عمل و قابل مقایسه با آن عمل نمی‌باشد. خداوند در آیه‌ای از قرآن درباره پاداش اخروی عمل صالح و کبیر عمل ناشایست می‌فرماید: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلٍهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾ (انعام: ۱۶۰)؛ هر که کار نیکی آورد ده‌چندان آن پاداش دارد، و هر که کار بدی آورد جز همانند آن کبیر نبیند و بر آنان ستم نرود.

در آیه دیگر، پاداش انفاق در راه خدا را هفتصد برابر، بلکه افزون بر آن معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿مَثَلُ أَنَانَ كَه مَالِهَاي خويش را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا برای هر که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایشگر داناست.﴾ (بقره: ۲۶۱)

شیری که مزه‌اش برنگردد و جوی‌هایی از باده‌ای که لذت‌بخش آشامندگان است و جوی‌هایی از غسل ناب؛ و ایشان را در آن [بهشت] از هرگونه میوه‌ای باشد و نیز آمرزش پروردگارشان.﴾ (محمد: ۱۵)

بهشت منزلگاهی بس رفیع برای بهشتیان است و آنان به مرتبه‌ای از رفعت و عزت رسیده‌اند که در آستانه بهشت فرشتگان الهی به استقبال آنان می‌آیند و آنان را با احترام و تجلیل به بهشت بار می‌دهند: ﴿وَسِيَقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاؤُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ﴾ (زمر: ۷۳)؛ و آنان که از پروردگار خویش پروا کرده‌اند گروه‌گروه به بهشت برده شوند، تا آن‌گاه که بدانجا [بهشت] رسند، و درهایش گشوده باشد، و نگهبانان آن ایشان را گویند: سلام بر شما، خوش باشید [یا پاک شوید] پس به بهشت درآید [و در آن] جاودانه باشید.

بهشت و نعمت‌های جاودانه آن که برای مؤمنان و سعادت‌جویان بس لذت‌بخش و شگفت‌برانگیز است و جاذبه فوق‌العاده دارد، در برابر رضوان الهی که در انتظار دوستان خدا و تقوایبشگان است و آنان با پیروی از فرامین الهی به چنان مرتبت عظیمی دست خواهند یافت، چیزی به حساب نمی‌آید. از این رو خداوند می‌فرماید: «خداوند به مردان و زنان مؤمن بوستان‌هایی وعده داده است که از زیر [درختان] آنها جوی‌ها روان است. در آنها جاویدان‌اند و نیز جای‌های خوش و پاکیزه در بهشت‌های پاینده، و خشنودی خدا از همه برتر و بزرگ‌تر است. این است رستگاری و کامیابی بزرگ.» (توبه: ۷۲)

### بهای نیل به رضوان و بهشت

این بهشت و رضوان الهی به بهای گام سپردن در مسیر تعالی و دست شستن از پیروی هوای نفس و تبعیت از

شرایط عادی به سر می‌برد و امکان توبه برای او فراهم است، با این وجود توبه نمی‌کند و مکرراً توبه را به تأخیر می‌اندازد و در عین حال امید به رحمت الهی دارد، او کاذب است. او در صورتی می‌تواند امیدوار به رحمت خدا باشد که بدانند با چه اسباب و تحت چه شرایطی خداوند انسان را مشمول رحمت خود می‌کند و با این وصف اگر از کردار زشت خود پشیمان گشت و توبه کرد، باید به جبران حقوق الهی و حقوق مردم که به تضییع آنها پرداخته همت گمارد، مثلاً به قضای نمازها و روزه‌هایی که از او قضا شده بپردازد و حقوق مالی خود را ادا کند.

البته اگر انسان قدرت و توان تأمین اسباب و شرایط بهره‌مندی از رحمت خدا را ندارد، یا چنان مغلوب هوای نفس گردیده که توان باز ایستادن از گناه و جبران کارهای زشت خود را ندارد و یا چنان پیر و فرتوت گردیده که نمی‌تواند وظایف و واجباتی را که از او فوت شده قضا کند، یا مالی در بساط ندارد که حقوق مالی خود را ادا کند، می‌تواند به رحمت خدا امیدوار باشد. او اگر نگران عاقبت و فرجام خویش است و واقعاً پشیمان گردیده، می‌تواند با دعا و توسل از خداوند بخواهد که توان لازم برای غلبه بر هوای نفس را به او عنایت کند و او را مشمول رحمت خویش سازد. در این صورت که سایر شرایط و اسباب فراهم نیست، دعا و تضرع به خدا وسیله و سببی برای رحمت خداست و با انجام آن انسان می‌تواند به رحمت خدا امیدوار باشد. وقتی کسی بیمار می‌گردد، باید به پزشک مراجعه کند و دارویی را که او تجویز می‌کند مصرف کند و تمام مراحل درمان خویش را پشت سر بگذارد، آن‌گاه امید به بهبودی داشته باشد. اما اگر در این امر کوتاهی کرد و به پزشک مراجعه نکرد، نمی‌تواند امیدی به بهبودی خود داشته باشد. او باید به معالجه خود بپردازد و از اسباب ظاهری درمان خویش استفاده

کسانی که خیال می‌کنند پاداش‌های اخروی چون پاداش‌های دنیوی است و همچنان‌که در دنیا انسان به اندازه زحمتی که می‌کشد مزد دریافت می‌کند، پاداش اخروی او نیز مساوی با عملی است که انجام داده، خداوند و کرم و رحمت بی‌انتهای او را نشناخته‌اند. اگر آنان بدانند که خداوند چقدر نسبت به بنده خود لطف و کرم دارد و در برابر عمل کوچک او چه پاداش بزرگی عنایت می‌کند، امیدشان به خداوند افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر کسانی بیندارند که خدا به گزاف و بی‌حساب پاداش می‌دهد و همه گنهکاران را می‌بخشد و هر کس که غرق گناه است و در طول عمر خداوند را اطاعت نکرده، می‌تواند امید راه‌یابی به بهشت و رضوان الهی را داشته باشد، باز به خداوند و قهر او جاهل‌اند و ربوبیت تشریحی و سنت عبودیت و بندگی خدا را باور ندارند. اگر بنا بود همه و حتی گنهکارانی که در طول عمر به عصیان و نافرمانی خدا مشغول بوده‌اند روانه بهشت گردند، خداوند نباید جهنم را می‌آفرید و نباید با تأکید می‌فرمود: ﴿لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾ (هود: ۱۱۹)؛ هر آینه دوزخ را از همه جنیان و آدمیان [کافر] پر می‌کنم.

#### امید در زمینه فراهم ساختن شرایط و اسباب

اگر کسی مرتکب گناہانی شده باشد و بداند که خداوند امکان جبران گناہان را، هر چند سنگین و پر شمار باشند، فراهم می‌آورد و تا زنده است و قدرت انتخاب و اختیار دارد توبه کند و واقعاً از کردار زشت خود پشیمان گردد و تصمیم بگیرد که دیگر مرتکب گناه نگردد، رجا و امید او به بخشش خدا صادق است. چون وقتی انسان به درستی توبه کرد، اسباب آمرزش خویش را فراهم آورده است. اما اگر کسی اسباب و شرایط بهره‌مندی از رحمت خدا را نشناسد، یا با اینکه شهوت و غضب بر او غلبه نیافته و در

مسلماناً شکست می‌خورند و دشمن بر آنان چیره می‌گردد؛ چون خداوند خود به مسلمانان دستور داده که به جهاد با دشمنان پردازند. در برخی از آیات قرآن خداوند خطاب به مسلمانان می‌فرماید: ﴿أَفِرُّوْا خِيفًا وَتَقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (توبه: ۴۱)؛ سبکبار و گرانبار [برای جهاد] بیرون روید و با مال‌ها و جان‌های خویش در راه خدا جهاد کنید، که این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید.

در آیه دیگر، خداوند مؤمنان را به کارزار و سرسختی با کافران فرامی‌خواند و می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ﴾ (توبه: ۱۲۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که به شما نزدیک‌اند کارزار کنید و باید که در شما درستی و سختی بیابند، و بدانید که خدای با پرهیزکاران است.

بله اگر رزمنده‌ای با همه توان با دشمن جنگید و از نفس افتاد و یاد رگیرودار جنگ مهماتش تمام گردید، باز هم نباید ناامید گردد و باید به خداوند امید یاری داشته باشد و با دعا و توسل از او بخواهد که یاری‌اش کند. در این صورت، اگر خداوند مصلحت بداند، علی‌رغم نبود اسباب و شرایط ظاهری، او را پیروز می‌گرداند. در طول تاریخ اسلام و از جمله در دوران دفاع مقدس، معجزات فراوانی رخ داده و با اینکه مؤمنان و مسلمانان نیرو و امکانات لازم برای مقابله با دشمن نداشتند، خداوند آنان را بر دشمنانشان پیروز گردانید. حاصل سخن آنکه در صورتی انسان می‌تواند به امر مطلوبی صادقانه امید داشته باشد که اسباب و شرایط آن را بشناسد. مثلاً وقتی به رحمت خدا امید دارد، شرایط و اسباب بهره‌مندی از رحمت الهی را بشناسد و بداند که چه بخشی از آن شرایط و اسباب در اختیار اوست و چه بخشی از آنها از عهده او

کند. در عین حال، امید داشته باشد که دکتر درد را به درستی تشخیص بدهد و در معالجه بیمار خود خطا نداشته باشد. بله اگر بیماری پولی برای معالجه خود نداشته باشد، یا مشکلات دیگری فراروی معالجه و درمان او وجود دارد که رفع آنها از عهده او خارج است، نباید ناامید گردد. بلکه او باید به دعا و توسل تمسک جوید و از خداوند شفای خود را بخواهد.

در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز برای رسیدن به هدف باید از اسباب و شرایط بهره‌گرفت و امیدواری صرف راه به جایی نمی‌برد. اما اگر برخی از شرایط و اسباب لازم در اختیار نبود نباید ناامید گشت، بلکه باید به خداوند امید داشت و با ایمان و اتکای بر خداوند در مسیر راه‌یابی به اهداف حرکت کرد. بی‌تردید علی‌رغم فراهم نبودن اسباب ظاهری کافی، خداوند بندگان مؤمن خود را از حمایت خویش محروم نمی‌گرداند و آنان را جهت رسیدن به اهداف و مقاصدشان یاری می‌کند. چنان‌که در دوران دفاع مقدس با اینکه همه قدرت‌های استکباری و کشورهای منطقه از رژیم بعث عراق حمایت می‌کردند و در مقابل، رزمندگان مخلص و سلحشور ما از تجهیزات و امکانات کافی و لازم برخوردار نبودند، اما چون آنان جان برکف برای دفاع از اسلام و انقلابشان به صحنه آمده بودند و جانشان سرشار از ایمان به خدا بود و امیدوار به حمایت‌ها و امدادهای الهی بودند، خداوند پیروزشان کرد.

وقتی که دشمنان به کشور اسلامی هجوم می‌آورند و دین و سرزمین مسلمانان را تهدید می‌کنند، کسانی که توان جنگیدن با دشمن را دارند، موظف‌اند که به دفاع از سرزمین و دین خود پردازند و امکانات و تجهیزات کافی را برای مبارزه با دشمن فراهم آورند. اگر آنان در خانه بنشینند و از خداوند بخواهند که دشمنان را نابود گرداند،

پی‌نوشت‌ها .....

- ۱- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۸۴.
- ۲- محمدتقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۹۹.

خارج است. از جمله متوجه باشد که دعا خود یکی از اسباب رسیدن به سعادت و رحمت الهی است. در این بین، کسی امیدش صادق است که از این اسباب و شرایط سود جوید؛ اما اگر کسی از اسباب و شرایط استفاده نکرد و در عین حال امید به رحمت خدا داشت، امیدش کاذب است و خود را فریب داده است و هرگز به مقصود خود نخواهد رسید.

البته انسان باید ایمان و باور خود به خداوند را تقویت کند، چون اگر انسان از ایمانی قوی و مستحکم برخوردار نباشد، در گیرودار سختی‌ها و بلاها و در مواجهه با امتحانات دشوار از امیدش به خداوند کاسته می‌گردد. فراوانند کسانی که وقتی با مرگ عزیز و بیماری‌های سخت و طولانی مواجه می‌گردند، مستأصل و درمانده می‌شوند و تحمل از کف می‌دهند. مرحوم شیخ عباس تهرانی که صبح جمعه‌ها در مدرسه حجتیه و پس از دعای ندبه درس اخلاق می‌گفتند، در یکی از آن جلسات درباره‌ی دشواری تحمل مشکلات و سختی‌ها گفتند که من تصور می‌کردم تحمل سختی‌ها و بلاها را دارم تا اینکه شبی بر اثر زخم معده با درد شدید شکم مواجه گردیدم، تصمیم گرفتم که درد را تحمل کنم؛ اما چیزی نگذشت که درد شدت گرفت و تحملش برایم دشوار گردید و به خداوند توسل جستیم. اما درد تسکین نیافت و هرچه می‌گذشت شدیدتر می‌گردید تا نیمه‌ی شب به دعا و توسل پرداختم و هر دعایی که به نظرم می‌رسید خواندم، اما درد برطرف نگردید. تا آنکه عرصه بر من تنگ گردید و گفتم: «مگر کسی نیست که به فریاد من برسد؟» وقتی این ضعف را در خودم یافتیم که نمی‌توانم در برابر درد شکم، ایمانم را حفظ کنم، به یک‌باره دردم برطرف شد و تسکین یافت و خداوند به وسیله‌ی آن درد شکم مرا متوجه این نکته کرد که نمی‌توانم در برابر چنین دردی ایمانم را حفظ کنم.